مدیرمسئول کیهان کارگاه آموزشی برگزار می‌کند

«عملیات روانی» به روایت شریعتمداری

شرق: حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، کارگاه عملیات روانی رسانه‌ای برگزار می‌کند. پوستر آن دیروز در فضای مجازی منتشر شد. برگزارکننده آن معاونت هنر و رسانه بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران بزرگ است و کارگاه همین هفته چهارم آبان در مؤسسه کیهان برگزار می‌شود. در پوستر نوشته شده که کارگاه مخصوص فعالان بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران است. دو شماره تماس تلفن همراه هم برای هماهنگی برای شرکت در کارگاه اعلام شده است. یکی مخصوص خواهران و یکی برادران. با شماره تماسی که ویژه برادران در نظر گرفته شده، تماس می‌گیریم، فردی از پشت خط می‌گوید اولویت حضور در کلاس‌ها با اعضای بسیج دانشجویی است.

موضوعی که مدیرمسئول کیهان می‌خواهد به فعالان بسیج دانشجویی آموزش دهد، احتمالا ایده پیشنهادی خودش بوده است؛ سوژه‌ای که بارها دستمایه یادداشت‌ها و سرمقاله‌های او در کیهان شده و به تفصیل درباره جنبه‌های مختلف آن نوشته است. پس اگر در کلاس حسین شریعتمداری شرکت نمی‌کنید، چیز زیادی از دست نداده‌اید. خلاصه آن را می‌توانید از خلال یادداشت‌هایش بخوانید. «آدرس غلط، انگاره‌سازی، حرکت از پله دوم و جنگ تابلوها»؛ اگرچه جزء اصطلاحات و مفاهیم حوزه رشته «ارتباطات» است؛ اما حسین شریعتمداری از آنها به‌عنوان شگردهای رسانه‌ای و عملیات روانی نام برده و نتایج مد نظر خودش را در نوشته‌ها و سرمقاله‌هایش از آنها گرفته است.

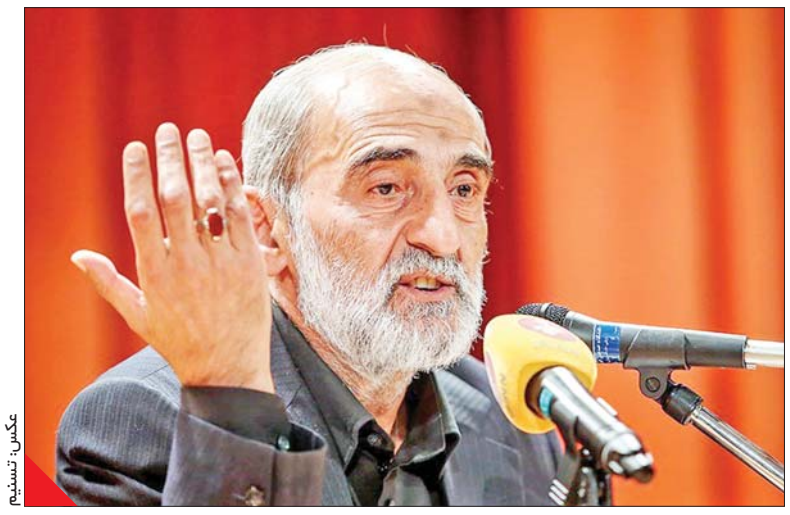

عکس: تسنیم

حرکت از پله دوم

مثلا سال ۸۹ در سرمقاله کیهان درباره «حرکت از پله دوم» نوشته بود: «حرکت از پله دوم» که گاه به اختصار «پله دوم- SECOND STEP» نیز نامیده می‌شود، یکی از معروف‌ترین شگردهای عملیات روانی است. این شگرد، مخصوصا در جریان فتنه ۸۸ از سوی مدیران بیرونی فتنه و ستون پنجم داخلی آنها به فراوانی مورد استفاده قرار گرفته است. در این شگرد، بخش اول یک رخداد و یا ماجرا که نقطه آغازین آن است حذف شده و نادیده گرفته می‌شود و در همان حال، روی پله دوم ماجرا، که نتیجه منطقی و پیامد طبیعی پله اول است، تأکید ورزیده و بزرگ‌نمایی می‌کنند به گونه‌ای که انگار تمام ماجرا همان پله دوم بوده است! فرض کنید از پنجره رو به کوچه خانه خود شاهد سیلی‌زدن شخصی به چهره شخص دیگری هستید. در این حالت بدیهی است احساسات انسان‌دوستانه شما تحریک شده و حمایت از شخص سیلی‌خورده را که مظلوم می‌پندارید، وظیفه خود بدانید، اما، اگر این صحنه فقط پله دوم از یک ماجرا باشد و شما هر دو پله را با هم و در کنار هم شاهد باشید، به یقین قضاوت دیگری خواهید داشت. مثلا اگر باخبر شوید که شخص سیلی‌خورده در چند کوچه دورتر از میدان دید شما، با دشنه به عابر بی‌پناهی حمله‌ور شده و ضمن ضرب‌وشتم و دریدن سر و سینه وی، کیف پول و سایر اموال منقول او را به سرقت برده است، نه تنها از سیلی‌خوردن این سارق مسلح احساسات انسان‌دوستانه شما جریحه‌دار نمی‌شود، بلکه آن مجازات را برای جرم بزرگی که مرتکب شده است، ناکافی و ناعادلانه نیز تلقی می‌کنید. در جریان فتنه ۸۸ بارها شاهد بوده‌ایم مدیران بیرونی فتنه که هدایت عملیات روانی- رسانه‌ای را در اختیار داشته و دارند و نیز، عوامل داخلی آنها، به این شگرد متوسل شده‌اند».

لانه شارلاتان‌ها

سال ۹۰، در یادداشتی با عنوان «لانه شارلاتان‌ها!» با اشاره به مطبوعات دوران اصلاحات نوشته بود «در جلسه وزیر ارشاد با مدیران مسئول مطبوعات، نگارنده فهرستی از عوامل نشان‌دار گروه‌های سلطنت‌طلب، رابطین «سیا» و اعضای گروهک‌های تروریستی را به آقای مهاجرانی ارائه داده و گفتم؛ این عده که در فلان روزنامه و فلان هفته‌نامه و... - با ذکر نام- حضور فعال دارند، نمونه‌هایی از نفوذ عوامل بیگانه به مطبوعات کشور هستند که به قول آقا، برخی از مطبوعات را به پایگاه دشمن تبدیل کرده‌اند و آقای مهاجرانی، ضمن تأیید نظر نگارنده- که با توجه به مستندبودن آن، نمی‌توانست تأیید نکند- گفت؛ «اتفاقا شب گذشته خدمت آقای رئیس‌جمهور- آقای خاتمی- بودم و ایشان هم نسبت به دو نفر از افراد لیست شما ازجمله هزارخانی و اسماعیل خویی اعتراض داشتند و قرار شد به روزنامه‌های مربوطه تذکر داده شود... دلارهای آمریکایی با واسطه و بی‌واسطه میان برخی از گردانندگان نشریات زنجیره‌ای پخش می‌شد که کیهان به چند نمونه از آن با ذکر سند اشاره کرده بود...»؛ اما مدیرمسئول کیهان در ادامه توضیحات خود به سال ۹۰ بازگشت کرده و نوشته است: «و اما، امروز، همان خط سیاسی و فرهنگی که نفوذی‌های به خارج گریخته دنبال می‌کردند، در برخی از مطبوعات و شماری از برنامه‌های رادیو و تلویزیون به‌وضوح دیده می‌شود و حاکی از آن است که دشمنان بیرونی کماکان برخی از رسانه‌ها و یا بخش‌هایی از برخی رسانه‌ها را به عنوان «پایگاه تبلیغاتی» و «عملیات روانی» در اختیار دارند...».

مارپیچ سکوت

در همان سال در همایش سراسری استادان بسیجی در مشهد با اشاره به روزنامه‌نگارانی که از ایران رفته بودند، گفت: «آشکارا با این همه سند آشکار آیا سران و عوامل اصلی فتنه هنوز هم می‌توانند ادعا کنند که وطن‌فروش و عامل بیگانگان نبوده‌اند؟!».

سال ۹۱ هم در سرمقاله‌ای درباره «مارپیچ سکوت» نوشت: «مارپیچ سکوت- SILENCE SPIRAL-» یکی از ترفندهای پیچیده و پرهزینه عملیات روانی است که از نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون و مخصوصا طی دو سال اخیر در حجم انبوهی علیه مردم کشورمان به کار گرفته شده است... ترفند مارپیچ سکوت بر این نظریه تکیه دارد که افراد جامعه اگر احساس کنند دیدگاه و نظر آنها در «اقلیت» قرار دارد و اکثر افراد جامعه دیدگاه و نظری متفاوت با آنها دارند، به طور معمول و براساس یک قاعده فراگیر- استثناها موردنظر نیست- علاقه و تمایلی به ابراز نظر و عقیده خود نخواهند داشت و بیم آن دارند که به‌خاطر ابراز عقیده و نظر متفاوت خویش در انزوا قرار گیرند و از سوی دیگر وقتی یک دیدگاه از سوی اکثریت افراد جامعه حمایت می‌شود، افراد خنثی و بی‌تفاوت نیز ترجیح می‌دهند در همان راستا ابراز عقیده کنند. کارشناسان و نظریه‌پردازان عملیات روانی بر اساس قاعده فوق ترفند مارپیچ سکوت را طراحی کرده و به میدان می‌آورند. با این توضیح که وقتی رواج و فراگیری فلان «باور دروغین» را در جامعه حریف به سود خود ارزیابی می‌کنند، با بهره‌گیری از رسانه‌ها، گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های وابسته یا تحت‌تأثیر خود، همان دیدگاه و نظر را به‌عنوان دیدگاه و باور اکثریت مردم(!) تبلیغ کرده و ترویج می‌دهند و از آنجا که در جوامع امروزی و در عصر ارتباطات، رسانه‌ها نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی و ساخت افکار عمومی دارند، دیدگاه ترویج و تبلیغ‌شده در یکی از دو حالت زیر، شکل گرفته و تثبیت می‌شود.

شریعتمداری نوشته بود: «در شگرد «مارپیچ سکوت» مأموریت اصلی برعهده رسانه‌ها - اعم از رسانه‌های دیداری، شنیداری، مکتوب، تریبون‌ها، نظر شخصیت‌ها- است... این هجوم در حجم انبوه و سطح گسترده صورت پذیرفته و تلاش می‌کنند ارائه‌کننده نظر مخالف را از ابراز نظر پشیمان کرده و به «سکوت» وادارند... «مارپیچ سکوت» اینگونه شکل گرفته و به میدان آورده می‌شود».

سوروس

حسین شریعتمداری البته بارها از همان شیوه‌هایی که می‌گوید هم استفاده کرده است؛ مثلا بارها در سخنان و نوشته‌هایش رئیس دولت اصلاحات را متهم به دیدار با جورج سوروس کرده است. تکرار گاهی منجر به باورپذیری می‌شود. البته سخنان شریعتمداری هربار با تکذیب رئیس دولت اصلاحات روبه‌رو شده است. رئیس دولت اصلاحات در پاسخ گفته است: «متهم هستیم که میلیاردها دلار از این و آن کمک مالی دریافت کرده‌ایم. درحالی‌که من یک ریال از کسی نگرفتم. حتی احتیاط‌هایی کردم. الان آقای کلینتون هرجا بخواهد برای سخنرانی برود، قبل از آن ۳۰۰ هزار دلار به حساب او می‌ریزند. آقای گورباچف هرجا بخواهد سخنرانی کند، ۵۰ هزار دلار می‌گیرد. ماندلا در دوران ریاست‌جمهوری من به منطقه آمد. به عربستان و کویت و امارات رفت. از هرکدام هشت تا ۱۴ میلیون دلار گرفت. به ایران هم آمد. با کمال افتخار یک میلیون دلار گرفت و در نهایت با ۳۰ یا ۴۰ میلیون دلار بنیاد ماندلا را برای کمک به بیماران ایدز راه‌اندازی کرد. چه اشکالی داشت من هم این کار را بکنم و بروم ۳۰، ۴۰ میلیون دلار برای سرمایه‌گذاری در این کار بگیرم، اما من این کار را نکردم. به دروغ می‌نویسند فلانی برای ایران نسخه نوشته و با خاتمی مذاکره کرده که بیاید آن را در ایران پیاده کند. می‌گویند می‌خواهم نسخه کسی را در ایران اجرا کنم که نه او را دیده‌ام و نه با او صحبت کرده‌ام!» شریعتمداری یک‌بار گفت: «سند ملاقات خاتمی را در اختیار داریم لذا با توجه به اینکه او از ما به دادگاه شکایت کرده است ما در دادگاه اسناد خود را ارائه می‌کنیم». دادگاهی که شریعتمداری از آن سخن می‌گوید گویا یا هیچ‌وقت برگزار نشده یا هیچ‌وقت منجر به محکومیت رئیس دولت اصلاحات نشده است!

در این سال‌ها برخی حسین شریعتمداری را متهم به حضور در وزارت اطلاعات کرده‌اند، اما مدیرمسئول کیهان در مقاله‌ای در تاریخ پنجم دی ۱۳۷۸روزنامه کیهان نوشت: «دعوت از اینجانب برای بحث و گفت‌وگو با زندانیان گروهکی از جانب حجت‌الاسلام مجید انصاری صورت گرفته بود... آن هنگام را اینجانب جزء پربرکت‌ترین ایام عمر خود می‌دانم که بر اثر آن تعداد قابل‌توجهی از عناصر گروهکی بریده از انقلاب و مردم به آغوش انقلاب و ملت بازگشتند». حسین شریعتمداری در پاسخ به شائبه حضورش در وزارت اطلاعات گفته است: «بنده هیچگاه بازجو نبوده‌ام ولی بارها ابراز تأسف کرده و می‌کنم که چرا ثواب بازجوبودن در نظام جمهوری اسلامی ایران در نامه اعمال من ثبت نشده است».

پاسخ یکی از قربانیان کهریزک به حیدری‌فرد

نام ۳ نفر را هر شب و روز هجی کنید

مجید عابدین‌زاده‌مقدم

به‌دنبال انتشار گفت‌وگوی «شرق» با علی‌اکبر حیدری‌فرد از قضات پرونده کهریزک، مجید عابدین‌زاده‌مقدم یکی از آسیب‌دیدگان کهریزک توضیحی برای روزنامه «شرق» ارسال کرده است. پیش از این عبدالله رمضان‌زاده در واکنش به مصاحبه علی‌اکبر حیدری‌فرد توضیحی برای روزنامه ارسال کرده بود. حیدری‌فرد مدعی شده بود که اعضای ستاد قیطریه به‌علت اقدامات مخرب عبدالله رمضان‌زاده یعنی جمع‌آوری افراد مشکوک و مخل امنیت در داخل آن ستاد، بازداشت شده بودند. او مدعی شده بود که رمضان‌زاده مقاومت کرد و پس از برخورد فیزیکی، دستگیر و محل هم بازرسی شد. در توضیحی که سخنگوی وقت دولت اصلاحات برای «شرق» ارسال کرده بود، آمده: «۱- هیچ‌گاه عضو ستاد قیطریه که ستاد اصلاح‌طلبان حامی مهندس موسوی بوده، نبوده‌ام و در اتهامات انتسابی در جریان محاکمات سال ۸۸ نیز چنین اتهامی به این‌جانب نسبت داده نشده است. بنابراین انتساب «جمع‌آوری افراد مشکوک مخل امنیت» و «دست‌زدن به تحریکات امنیتی» اساسا فاقد وجه و کذب محض است. ۲- من حدود ساعت ۳/۵ الی ۴ بعدازظهر روز جمعه ۸۸/۰۳/۲۲ درحالی‌که فرزندان ۱۹ و ۱۶ساله همراهم بودند، برای رأی‌دادن از منزل خارج شدم و قصد داشتم رأی خود را در مدرسه‌ای که روبه‌روی ستاد قیطریه بود، به صندوق بیندازم که متوجه ازدحام جمعیتی حدود ۲۰۰نفره در مقابل ستاد شدم». رمضان‌زاده در توضیحات خود با اشاره به اینکه بعد از حدود یک ساعت سردار سرتیپ علیپور فرمانده پلیس امنیت تهران به محل آمد، آورده بود: «پس از مراجعه به من، ضمن ادای احترام نظامی در حضور جمع، گفتند باید موضوع با آرامش حل شود و بلافاصله به مأموران همراه خود دستور بازداشت لباس‌شخصی‌ها را دادند و از من نیز خواستند در متفرق‌کردن جمعیت به بیرون ستاد مساعدت کنم. من نیز با استفاده از بلندگوی پلیس، ضمن معرفی خود و تشکر از مأموران پلیس و شخص سردار علیپور از جمعیت تقاضا کردم محل را ترک کنند و این درخواست چند بار تکرار شد، بالاخره جمعیت متفرق شدند. بنابراین:- تنها کسانی که بازداشت شدند، لباس‌شخصی‌های مهاجم بودند و هیچ‌یک از اعضای ستاد بازداشت نشدند. - سردار علیپور، سرهنگ نظامی، سرکلانتر کلانتری شمیران در حضور جمع از نقش مثبت این‌جانب تشکر کردند. - هیچ اقدام تحریک‌آمیزی از سوی اعضای ستاد انجام نشد. - نه‌تنها مقاومت نکردم بلکه به‌دلیل آرامش‌بخشیدن به فضا مورد تقدیر قرار گرفتم. - بازداشت من در آن تاریخ و محل دروغ است. نکته جالب و مهم نیز آن است که آقای حیدری‌فرد تأیید می‌کنند که بازداشت من و سایر دوستان اصلاح‌طلب در روز بیست‌وسوم خرداد ماه به استناد حکم صادره روزهای قبل از انتخابات بوده است و این نشان می‌دهد که بازداشت‌ها ربطی به اعتراض به نتیجه انتخابات نداشته است». حالا در توضیح جدیدی که از سوی یکی از آسیب‌دیدگان کهریزک برای «شرق» ارسال شده، آمده است: «جناب آقای مهدی رحمانیان، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول محترم روزنامه شرق، با سلام. بازگشت به انتشار مصاحبه آن روزنامه با آقای علی‌اکبر حیدری‌فرد، قاضی پرونده کهریزک، در شماره ۲۹۸۵ در تاریخ ۹۶/۷/۲۲ مواردی در خصوص عدم آزار و اذیت بازداشت‌شدگان آن بازداشتگاه از سوی آقای حیدری‌فرد مطرح شده است. به گفته آقای حیدری‌فرد، ۱۶ نفر از بازداشتی‌های کهریزک اظهار داشته‌اند مورد هیچ‌گونه آزار و اذیت یا ضرب‌وشتمی قرار نگرفته‌اند. درحالی‌که کمیته تحقیق مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای نظارتی به نتیجه دیگری رسیده‌اند. با توجه با رویکرد حرفه‌ای روزنامه شرق و استناد به قانون مطبوعات خواهشمند است نسبت به انتشار جوابیه بنده به‌عنوان یکی از شاهدان و قربانیان بازداشتگاه کهریزک مساعدت لازم را مبذول فرمایید.

۱- آقای حیدری‌فرد ما آنقدر خوش‌بین و ساده‌دل هستیم که باور کردیم بنا بر اظهارات جناب‌عالی در روزهایی که کشور در آستانه یک چالش گسترده امنیتی قرار داشته و همه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به‌عنوان ستاد عملیات روانی فتنه عمل می‌کردند و تمرکز خود را بر انجام حتمی اغتشاش در ۱۸ تیر با هدف تکرار دوباره آن قرار داده بودند و سازمان [تروریستی] منافقین و سلطنت‌طلبان گرفته تا وزارت خارجه اسرائیل و آمریکا و تمامی معاندین در بیانیه‌های پی‌درپی فراخوان حضور در خیابان‌ها می‌دادند و مردم را تحریک به حضور در خیابان‌ها می‌کردند و بنا به اظهارات شما به بهانه آلودگی هوا تهران تعطیل شده بود و همه مسیرها را به شمال یک‌طرفه اعلام کرده تا تهران تخلیه شود، دقیقا در همین شرایط از نظر شما سراسر بحرانی و امنیتی، جناب آقای دادستان وقت تهران در روزهای هجدهم و نوزدهم تیر همراه و هم‌دل با سایر شهروندان تهرانی که راهی شمال کشور بودند، برای فرار از آلودگی هوا و احتمالا همراه با خانواده محترم راهی شمال شدند و تلفن همراهشان را از دسترس خارج کردند.

۲- شما گفته‌اید پس از رایزنی با مسئولان کهریزک و تهیه فضای مناسب ۱۴۰ نفر را به کهریزک اعزام کرده‌اید. به هیچ متهمی توهین نکرده‌اید و سعی داشتید با ارشاد متهمان آنها را قانع به عدم تکرار اشتباهات خود کنید. از ۱۶ متهم کهریزک که بازداشت شده بودند، بازجویی کردید و همگی گفته‌اند که هیچ مشکلی نبوده و مورد ضرب‌وشتم قرار نگرفته‌اند. ولی شما دستور اعزام ۱۴۷ نفر را در کمتر از یک ساعت به کهریزک صادر کردید و در جواب تعدادی از متهمان که با التماس و خواهش اظهار بی‌گناهی می‌کردند، خطاب به همه و با صدای بلند تنها حرفی که زدید این بود:

تا آخر تابستان در کهریزک می‌مانید و اگر زنده ماندید، بی‌گناه بوده‌اید و اگر مردید خدا از سر تقصیراتتان بگذرد. آن فضای مناسبی هم که به آن اشاره کردید، سوله‌ای به مساحت ۷۰ متر بود که به هنگام ورود حدودا ۵۰نفر از خطرناک‌ترین اراذل‌واوباش تهران در آن مستقر بودند و با اضافه‌شدن ما مجموعا ۲۰۰ نفر می‌شدیم، آن‌هم در کمتر از ۷۰ متر بدون کوچک‌ترین و بدوی‌ترین امکانات بهداشتی و سیستم تهویه که این شرایط به‌تنهایی و بدون احتساب ضرب‌وشتم‌های صورت‌گرفته در آن بازداشتگاه برای نابودی همه ما کفایت می‌کرد. حال آنکه ضرب‌وشتم صورت‌گرفته در آن بازداشتگاه را همه به تفصیل می‌دانند.

۳- از وقتی دنیا دنیاست و مردم یکدیگر را می‌کشند، هرگز کسی همنوع خود را نکشته یا جنایتی را در حق او نداشته است که خود را با این‌گونه اندیشه‌ها و دستاویزها تسلی داده باشد و این دستاویز را امروز آقای حیدری‌فرد انجام وظیفه می‌نامد. ایشان معتقدند که هیچ اشتباهی مرتکب نشده‌اند و فقط برحسب وظیفه با تعدادی فتنه‌گر و اراذل‌واوباش برخورد و آنها را روانه کهریزک کرده‌اند. شاید بهتر باشد ایشان بیشتر به این موضوع فکر کنند که چرا با توجه به اینکه معتقد هستند تنها به وظیفه خود... عمل کرده‌اند، آبروی پدر همسرشان (...که فردی مؤمن و متدین و ولایت‌مدار و از خانواده‌های آبرومند اصفهان هستند و همسرشان خانم ... که یک قاضی امین، متدین و بالیاقت است) رفته و به حیثیتشان تنها به دلیل انجام وظیفه ایشان لطمه وارد شده است؟

درمقابل خانواده من به فرزندی مانند من افتخار کرده‌اند و خودم و خانواده‌ام همواره مورد لطف و محبت دوستان و آشنایان و مردم قرار گرفته‌ایم؟

۴- اکنون در بند ۸ زندان اوین که از نظر من بهترین مکان برای افرادی مانند شماست، سال‌ها زمان دارید تا به این موضوع فکر کنید و نام این سه قربانی را که با تصمیم شما راهی کهریزک شدند و جان باختند هر روز، هر شب و هر ساعت هجی کنید تا از یادتان نرود؛ امید جوادی‌فر، محسن روح‌الامینی و محمد کامرانی».

ادامه از صفحه اول

تجارت با جیب اعراب

تیم بررسی‌کننده اتهامات دخالت روسیه در انتخابات همان تیمی است که در زمان ریاست‌جمهوری بیل کلینتون و قضیه مونیکا با بررسی‌های دقیق تا مرز استیضاح، بیل کلینتون را تعقیب کردند و کلینتون توانست با تکیه بر بندی از مقررات نحوه بررسی اتهامات رئیس‌جمهور، با قبول گناه دروغ‌گفتن به کنگره و پذیرش آن از استیضاح فرار کند. این تیم اکنون تا پشت اتاق‌های کاخ سفید هم رسیده و به دختر و داماد ترامپ نزدیک شده است. روسیه در سیبل سیاسی چالش‌کنندگان با ترامپ قرار دارد. کره‌شمالی دومین جبهه‌ای است که ترامپ در آن طبل جنگ را می‌تواند به صدا درآورد. به باور نگارنده کره‌شمالی نماد ماندگاری است که باید تا همیشه بماند و آمریکا از این مترسک آسیای جنوب شرقی برای حضور دائمی و استفاده از امکانات ژاپن، کره‌جنوبی، چین، ویتنام، لائوس، فیلیپین و اندونزی سود ببرد. کره‌شمالی پتانسیل جنگ آن هم به گفته ترامپ، جنگ تا مرحله نابودی را ندارد و باید این فضای مه‌آلود که از جنگ شبه‌جزیره کره تا امروز باقی مانده تا فردا و فرداها هم باقی بماند. به همین اعتبار ترامپ تاجر، بار سفر بسته و در دومین سفر خارجی خود چندین روز را در آسیای جنوب شرقی خواهد چرخید تا باج جلوگیری از اقدامات کره‌شمالی را از دولت‌های این منطقه بستاند. آخرین جبهه و دست‌به‌نقدترین، کوبیدن بر طبل ابطال برجام و ادای شوالیه جنگ‌های صلیبی را درآوردن است. در این صورت هم افکار عمومی مردم آمریکا را به خود جلب می‌کند و هم وسیله‌ای است که نیابتا از طرف اعراب، علم برخورد با ایران را به دست بگیرد. جنگی نیابتی که هزینه آن را جیب گشاد اعراب تأمین خواهد کرد و رجز آن را ترامپ تاجر خواهد خواند. با این اوصاف چه باید کرد؟ آیا تحریک موجود نامتعادلی که به قصد خالی‌کردن جیب اعراب از پروژه ایران‌هراسی پایه‌های دولت خود را گذاشته، به سود ایران است یا باید با علم و دوراندیشی و رعایت منافع ملی با این موجود پیش‌بینی‌ناپذیر برخورد کرد؟

دغدغه‌های مدیریتی دومین کلان‌شهر

به این صورت که هزینه‌های بالاسری مانند پروانه ساختمان و انشعابات انرژی و زمین از این قشر دریافت نشود. اگر به منطقه «شهید آوینی» مشهد که نام اولیه آن گلشهر بوده، سری بزنید، در بخشی از آن مجتمع‌های مسکونی را ملاحظه می‌کنید که با مشارکت شهرداری و بخش خصوصی ساخته شده و ویژگی‌های شهرسازی و معماری در آن رعایت شده است. پس می‌توان با تدابیری به این مسئله فائق آمد. همه اینها نیازمند سرمایه است. شهرداری‌ها برای آنکه به وظایف خود عمل کنند، نیاز به بودجه دارند. شهری مانند مشهد در هر روز فقط برای نگهداشت، پاکیزگی، فضای سبز و جمع‌آوری زباله سه میلیارد هزینه دارد. سال‌های متعددی است که دولت‌های مختلف در بحث لایحه درآمدهای پایدار شهرداری‌ها، لایحه‌ای به مجلس نیاورده‌اند. حتی در بحث مالیات بر ارزش افزوده که سه درصد از ۹ درصد برای شهرداری‌هاست، به‌نوعی در تقسیم آن رعایت انصاف نشده است. اگر درآمدهای پایدار ایجاد نشود، به ناچار شهرداری‌ها باید به سمت درآمدهای دیگر بروند که دم‌دست‌ترین آن فروش تراکم است. قطعا آقای مهندس تقی‌زاده‌خامسی، شهردار مشهد، به لحاظ تجربیات و تحصیلات مؤثر در مدیریت شهری نسبت به ظرفیت‌های مشهد آگاه هستند. در جلسه‌ای به ایشان عرض کردم در مشهد، چهار هزار لیتر بر ثانیه، فاضلاب وارد «کشف رود» می‌شود. بحث آب و بحران آب هم در کشور جدی است. شهرداری می‌تواند در تصفیه‌خانه‌هایی که در مسیر این رود ایجاد می‌شود، سرمایه‌گذاری کند و با استفاده بخشی از آب تصفیه‌شده برای فضای سبز، خرید از آب منطقه‌ای را به صفر برساند. همچنین بخش دیگر را وارد چرخه صنعت کرده و درآمد کسب کند که این مهم در قانون برنامه ششم و در برنامه بودجه سالانه هم آمده است یا بحث عوارض محلی از زائران هم می‌تواند دنبال شود. در بخش‌هایی مثل توریسم سلامت هم پیشنهاد مشخص من آن است که پادگان لشکر ۷۷ به منطقه سلامت تغییر کاربری دهد تا زوار میلیونی آن هم به حوزه سلامت خود رسیدگی کنند و هم از آثار معنوی حضور در شهر بهره ببرند. با توجه به اینکه اقتصاد کشور در حوزه ساختمان دچار رکود است و درآمد شهرداری کلان‌شهرها در برخی شهرها به حداقل‌ها و گاهی به یک‌سوم رسیده است، مدیریت‌های شهری در دوره پنجم شوراها، کار سختی در پیش دارند؛ بااین‌حال منابع انسانی مدیریتی و سرمایه‌های انسانی شهرداری مشهد در کنار ظرفیت‌های بزرگ اقتصادی آن با مدیریت صحیح مدیران تازه‌نفس شهری می‌توانند توسعه متوازن و پایدار شهری را به ارمغان بیاورند.

دور فرهنگ حصار نکشید!

و اجرای نادرست آن از سوی برخی عوامل مهم‌ترین عارضه و تعارض‌های شهری است که شبیه به چنین گسست‌هایی را در جامعه پدید آورده است.بدیهی است تا زمانی که این فهم فرهنگی و نظام کارآمد اجرائی در هرگونه تصمیم و اراده اعم از مدیریت کلان دولتی، قانون‌گذاری و شهری حادث نشود، بیشتر بر حریم فرهنگمان حصار خواهیم کشید.

politics@sharghdaily.ir

خبر

گفت‌وگوی تلفنی ظریف با صدراعظم جدید اتریش

● **ایلنا:** وزیر خارجه ایران و سباستین کورتز، وزیر خارجه اتریش، روز جمعه، تلفنی گفت‌وگو کردند. در این گفت‌وگو محمدجواد ظریف، ضمن تبریک پیروزی حزب متبوع کورتز در انتخابات پارلمانی برای او در سمت جدید صدراعظمی اتریش آرزوی موفقیت کرد.

طرفین همچنین درخصوص راه‌های تقویت روابط دوجانبه، اجرای برجام و دیگر مسائل موردعلاقه رایزنی کردند. وزیر امور خارجه اتریش ضمن تأکید بر لزوم حفظ و پایبندی همه طرف‌های توافق هسته‌ای به آن، حمایت اتریش از اجرای برجام و بهره‌مندی کامل ایران از دستاوردهای آن را مجددا مورد تأکید قرار داد.

جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد

● **تسنیم:** آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در جلسه دیروز مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه نقش جمهوری اسلامی ایران در سازندگی و آبادانی شهرهای عراق اهمیتی ویژه دارد، اضافه کرد: اتخاذ سیاست اقتصادی و برنامه‌ریزی مستقل برای افزایش روابط اقتصادی ایران و عراق از موضوعات مهمی است که باید در دستور کار دستگاه‌های ذی‌ربط قرار گیرد تا سهم ایران از بازار عراق افزایش یابد و به روند سازندگی در عراق نیز بیش از پیش کمک شود.

در ادامه جلسه، ضوابط انتخاب هیئت عالی نظارت بر حُسن اجرای سیاست‌های کلی به تصویب رسید.

مطابق این ضوابط، هیئت عالی نظارت با ۲۵ عضو تشکیل می‌شود که رئیس و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، رؤسای قوای سه‌گانه و ۲۰ نفر از سایر اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به انتخاب مجمع، عضو هیئت عالی نظارت خواهند بود.

همچنین معاونان اول قوای سه‌گانه، وزرا یا رؤسای دستگاه‌های مربوطه در دولت و قوه قضائیه و رؤسای کمیسیون‌های ذی‌ربط در مجلس شورای اسلامی بدون حق رأی در جلسات هیئت عالی نظارت شرکت خواهند کرد. علاوه بر ۲۵ عضو هیئت عالی نظارت که دارای حق رأی هستند، سایر اعضای مجمع نیز می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیئت عالی نظارت شرکت کنند.

ادامه از صفحه ۷

ادامه مذاکره برای خرید جنگنده روسی

هم هواپیماهای C-130 و هم هواپیماهای ۷۴۷ برای ما هستند و به بسیاری از روستاهایی که در محاصره قرار گرفته‌اند، از طریق این هواپیماها امدادرسانی می‌شود و این امدادرسانی و غذارسانی و سایر ملزوماتی که مورد نیاز روستاها است، دارد انجام می‌شود؛ ضمن اینکه نیروهای نیروی زمینی نیز کمافی‌السابق حضور دارند». او درباره آموزش نیروها در سوریه نیز گفت: «بچه‌های ما به‌طور مستقل کاری را انجام نداده‌اند. قرارگاه سپاه قدس در آنجا بود و نیروهای ما مأمور به قرارگاه سپاه قدس بودند؛ یعنی متولی آموزش در سوریه و عراق، سپاه قدس است. بچه‌های ما زیر نظر سپاه قدس کار انجام می‌دهند و به‌طور مستقل کاری انجام نمی‌دهند. حضور مستشاری برای آموزش است. در حوزه‌هایی تعمیرکار هم فرستادیم برای تعمیر تانک‌ها؛ اما با نظر سپاه قدس انجام شد». امیر «پوردستان» در پاسخ به سؤالی درباره خرید هواپیماهای روسی نیز گفت: «بنای خرید جنگنده، نوسازی ناوگان نیروی هوایی ارتش است. ما بنا داریم ناوگان نیروی هوایی ارتش را نوسازی کنیم. با طرف روسی هم صحبت شد و موافقت هم شد؛ اما قطع‌نامه ۲۲۳۱ سازمان ملل مانع شد که این کار انجام شود. رایزنی‌ها با طرف روسی برای کسب موافقت برای خرید جنگنده سوخو ۳۰ را ادامه می‌دهیم؛ اما فعلا قطع‌نامه‌های سازمان ملل مانع این کار هستند».